

خشت کج

علوم اجتماعی یا سرمایه‌داری

بررسی نقش آمریکا در ورود رشته علوم اجتماعی به ایران در دوران جنگ سرد

در دومین نشست از سلسله نشست‌های تخصصی مرکز مطالعات آمریکا با محوریت تأثیرات ایالات متحده در نحوه ورود علوم اجتماعی به ایران در دوره جنگ سرد و تبعات آن^۱، دکتر محمد رضا قائمی نیک، به ایراد سخنرانی پرداختند.

دکتر قائمی نیک در ابتدا با عنوان این نکته که شکل‌گیری علوم اجتماعی در ایران در دوران جنگ سرد صورت گرفت، بیان کرد: دانشگاه تهران سال 1332، در میان دو جنگ جهانی اول و دوم، شکل می‌گیرد و پیشرو در این امر است و در سال 1337، 14 سال پس از پایان جنگ جهانی دوم، مؤسسه مطالعات و تحقیقات علوم اجتماعی ذیل این رشته شکل می‌گیرد که در سال 1346 (1967)، یک سال پیش از جنبش‌های سال 1968، به مؤسسه تحقیقات تعاون، تحول پیدا می‌کند. این مؤسسه

در سال 1351، به دانشکده علوم اجتماعی در میدان بهارستان تبدیل شد. حال، تأسیس علوم اجتماعی در چه فضایی شکل می‌گیرد؟ این تاریخ‌ها نشان می‌دهد که این اتفاق، در دوران جنگ سرد رخ می‌دهد. ایده جنگ سرد به معنایی در علوم اجتماعی ریشه دارد، زیرا این علوم، بر اساس افکار مارکس شکل گرفته و نگاه او یکی از ستون‌های علوم اجتماعی است.

دکتر قائمی نیک در ادامه با بیان این نکته که جهان در دوران جنگ سرد حول دو ایده انقلاب کارگری و توسعه‌طلبی بوده است، عنوان کرد: اگر بلوک شرق، ایده استقلال‌طلبی و انقلاب‌های کارگری باشد، باید ببینیم در غرب، ایدئولوژی مسلط به تناسب آن چیست. به وفور یک ایده‌ای را از جانب بلوک غرب می‌بینیم که به قدری از آن نوشته شده است که از آن، با عنوان امپریالیسم دانشگاهی یاد می‌شود؛ یعنی ما با یک کاری که بر روی

آن فکر شده، طرف هستیم که آن، توسعه سرمایه‌داری است. مارکس، ایده محوری خود را با نقد سرمایه‌داری انجام می‌دهد، او بعد از نقد سرمایه‌داری به دنبال تحقق وقوع یک انقلاب کارگری برای جهانی است که در سرمایه‌داری محقق نشده و در کمونیسم، محقق خواهد شد؛ بنابراین، جهان در این فضا، حول دو ایده محوری انقلاب کارگری و استقلال‌طلبانه و ایده محوری توسعه‌طلبی و سرمایه‌داری می‌چرخد. وی با اشاره به این موضوع که رقابت‌های جنگ سرد بر سر این است که کدام یک از این ایده‌ها برنامه‌های بهتری برای اداره جهان ارائه خواهند داد، افزود: بلوک شرق تلاش می‌کند تا کشورهای جهان سوم را به انقلاب‌های پرولتاریایی تشویق کند و از آن سو، بلوک غرب تلاش می‌کند تا کشورهای جهان سوم را ذیل سرمایه‌داری خود قرار دهد و بلوک شرق را منزوی کند. در این دوره، در بسیاری از دانشگاه‌های

1. این نشست توسط دبیرخانه همایش بین‌المللی افول آمریکا این مرکز، برگزار شده است.

ایشان در پایان، ضمن پرداختن به نقش دانشگاه جامع امام حسین (ع) در خصوص مسئله جهان اسلام و نشرایدئولوژی آن در سطح جهانی عنوان کردند: اگر به فیش‌های هفته وحدت در نگاه مقام معظم رهبری نگاه کنیم، ایشان به استعمار در همه ساحت‌های آن اشاره می‌کنند و به این مسئله، به‌مثابه یک مسئله

این انقطاع با گذشته وجود داشته باشد و از یک سو، ما نیز نباید در آن برهه بمانیم؛ ما باید در سنت مستقر باشیم اما در حوزه مسائل اجتماعی پیرامون خود، دست به مطالعه، نوآوری و اقدام کنشگرانه بزنیم. درواقع، باید در زمینه مسائل معاصر، دست به اقدام بزنیم و کنشگری کنیم.

آمریکا، سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی جدی برای توسعه ایده سرمایه‌گذاری صورت می‌گیرد که در رأس این دانشگاه‌ها، دانشگاه هاروارد قرار دارد و درواقع، این دانشگاه، متکفل تئوری پردازی در حوزه سرمایه‌داری است. اساساً منازعه از منظر هویتی میان سنت‌های بومی و جامعه‌شناسی مدرن، بسیار حیاتی است و نباید



یک الگوی بومی در علوم اجتماعی برسیم؛ در صورتی که می‌توان در این عرصه، پیگیری و اقدامات بسیاری صورت داد تا این علم، با آموزه‌ها و ارزش‌های دینی و بومی‌مان، متناسب و سازگار شود.

سایبری و بسیاری از ساحت‌ها را بشناسیم. ایده ترقی، مبنای توسعه سرمایه‌داری است که ابزار تحقق آن، علوم اجتماعی است. مقام معظم رهبری بیش از دو دهه است که بر یکی الگوی متناسب اجتماعی پیشرفت تأکید دارند اما علیرغم این تأکید، ما هنوز نتوانسته‌ایم به

وحدت شیعه و سنی و مسئله اسلام و استکبار می‌پردازند. همین‌که ما به استعمار، الزامات و ویژگی‌های آن بیندیشیم، مهم است. ما که به‌طور مضاعف درگیر ماجرای استعمار و پیوند شیعه و سنتی در برابر استعمار هستیم، باید پیامدهای استعمار در قبال علم اجتماعی، فضای